



### امریکایی‌ها برای دادن سلاح به رژیم پهلوی دست و دل بازی کردند. آنقدر که اعتراض عده‌ای در وزارت خارجه آمریکا و سازمان سیا درآمد.

بعد معرفت‌شناسی ایشان موجب تثبیت انقلاب شد و برای همین جوانان ما برای دفاع از مملکت سرزایا نمی‌شناختند. در دوران دفاع مقدس یک جنگ جهانی علیه ایران راه افتاده بود. اما بعد شخصیتی امام که از آن غافل هستیم، بعد فلسفی ایشان است. فلسفه و کلام است که می‌تواند روی چرایی‌ها نظر بدهد. فقه درباره چگونگی‌ها صحبت می‌کند که جای خودش مهم است ما آنچه امروز نیاز داریم، شناخت بعد فلسفی امام است که به بخشی از چرایی‌های نسل جوان پاسخ می‌دهد.

### حاکم به مسیر پیشرفت جهت می‌دهد

بحث مهمی وجود دارد مبنی بر اینکه در پیشرفت یک کشور، حاکم اهمیت دارد یا سیستم؟ درباره این موضوع کتاب‌های زیادی نوشته شده است. خلاصه کتاب‌ها این است که حاکم را به عنوان جهت‌دهنده در نظر می‌گیریم؛ یعنی قطب‌نما. حاکم به مردم می‌گوید که در چه جهتی حرکت کنند. سیستم وسیله حرکت را معین می‌کند. سیستم به شما در جهت پیشرفت سرعت می‌دهد اما حاکم است که جهت پیشرفت را مشخص می‌کند. اگر براساس اتفاقاتی حاکم بدون توجه به مردم، جهت را تغییر دهد، مسیر پیشرفت هم تغییر می‌کند. در رژیم گذشته جهت حرکت جامعه به سمت دیگری بود. سیستم هم مدام در حال تحول بود چون پس از افزایش قیمت جهانی نفت، پول زیادی به کشور سرازیر شد، اما جهتی که برای پیشرفت در گذشته داشتیم، شاید ما را به نتیجه مطلوب در سعادت‌مندی چه از نظر معیشتی و چه از نظر معنوی، نمی‌رساند. یک نمونه نتیجه جهت‌گیری ما در رژیم پهلوی در اباحه‌گری آن زمان مشهود بود؛ داشت به سمت و سویی می‌رفت که برای جامعه خیلی خطرناک بود. بله از نظر صنعتی شدن و توسعه دانشگاه‌ها، تحولاتی در این زمینه رخ داده بود، ولی اینکه به چه سمتی می‌رفتیم، خدا می‌داند. قبل از پیروزی انقلاب، دین به عنوان یک عامل

به هر صورت در این کتاب برداشت این است که امریکایی‌ها فکر می‌کردند روحانیت در جامعه ایران آنقدر اثرگذار نیست که بتواند انقلاب کند و حکومت را تغییر دهد.

### سامانه داودی

ویراستار و تدوینگر کتاب

دکتر الیزابت ویلسون برای اینکه بخشی از ایده‌های سیاسی درباره ایران را روشن‌تر کند، ایده مصاحبه با شخصیت‌های سیاسی مرتبط با ایران را کلی زد. این مصاحبه‌ها را ۱۰ نفر از دانشجویان دکتری در رشته‌های تاریخ، علوم اجتماعی و اقتصاد گرفته‌اند. مصاحبه‌شوندگان هم از افرادی انتخاب شدند که در عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و اجرای سیاست ایده جدیدی داشته باشند و جزو ناظران اولیه باشند. از طرفی افراد باید به یک رویداد واقف باشند و روایتی درباره آن داشته باشند. تیم مصاحبه‌کننده با این شاخص‌ها به سراغ دولتمردان ایرانی و امریکایی رفتند. دولتمردان ایرانی یعنی کسانی که در رژیم پهلوی مسئولیت داشتند.

ماحصل این پروژه، ۲۰۰ مصاحبه شد که سال ۱۳۷۰ برای اولین بار به انتشار رسید. این مصاحبه‌ها در سه نسخه در حالت اولیه تنظیم شده‌اند؛ یک نسخه در دانشگاه کلمبیا و یک نسخه در دانشگاه استنفورد و یک نسخه هم به بنیاد مطالعات اجتماعی ایران داده شد. وقتی به این مصاحبه‌ها دسترسی پیدا کردیم تصمیم گرفتیم در مرحله اول ۱۳ مصاحبه را انتخاب کنیم. برای انتخاب این ۱۳ مصاحبه، معیار ما انتخاب مصاحبه‌هایی در بازه‌های زمانی مختلف بود. مثلاً ما شخصیتی مانند مایر را انتخاب کردیم که اولین سفیر آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بود. افرادی که روایت‌هایی از تسخیر لانه جاسوسی دارند هم جزو انتخاب ما بودند. از طرفی ما علاوه بر مصاحبه دیپلمات‌ها، از مصاحبه سفرا و افسران سیا هم استفاده کردیم.

### علی اکبر صالحی

وزیر اسبق امور خارجه

نسل جوان ما نسلی پرسشگر است و روی چرایی‌ها تأکید دارد. در گذشته ما روی چگونگی‌ها تأکید داشتیم اما الان دوران آن گذشته است.

در ۱۴ خرداد امسال، مقام معظم رهبری گفتند که باید امام را مجدداً بازناسی کرده و به جوانان امروز معرفی کنیم. یک تفسیر آزاد از صحبت رهبری دارم اینکه چهار بعد شخصیتی امام، برای من، مهم‌تر بود. یکی بعد سیاسی ایشان که موجب حرکت مردم و تحقق انقلاب شد. امام با فقه با مردم صحبت نمی‌کرد، روی مباحث فلسفی و معرفت‌شناسی تأکید نداشت، روی موضوع سیاسی تأکید داشت. بنابراین بعد سیاسی شخصیت امام موجب تحقق انقلاب شد.

واقعیتی دارد که ایران اهمیت زیادی در صحنه بین‌المللی دارد. اما چرا؟ چون الهام‌بخش است. امریکایی‌ها از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل غفلتی که به زعم خودشان، کردند که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، می‌خواستند شرایط را برای ما سخت کنند که ادامه این غفلت برایشان بدتر نشود. بنابراین همه تلاش خود را کردند که انقلاب را در نطفه خفه کنند.

امریکایی‌ها زود به این نتیجه رسیدند که انقلاب اسلامی ایران، الهام‌بخش است. باید از گسترش آن جلوگیری می‌کردند. پس از جنگ جهانی دوم دنیا نظمی به خود گرفته بود که سردمدار این نظم آمریکا بود. ایران به این نظم جدید تلنگر زد. این تلنگر مانند ترک کوچکی است که کم کم باز می‌شود و می‌تواند برای جهان اسلام و منطقه الهام‌بخش باشد. هم ما اشتباهاتی کردیم که برای گسترش الهام‌بخشی ایران بیشتر تلاش نکردیم، اما آنها تلاش کردند که این منبع، سریع منتشر نشود. ایران به چند دلیل دیگر هم برای امریکایی‌ها مهم است. شاید برای برخی کارشناسان قابل قبول نباشد، اما از دید غربی‌ها، ایران از ترکیه مهم‌تر بود با اینکه ترکیه در منطقه مدیترانه و در همسایگی کشورهای اروپایی قرار گرفته است چون ایران تمدنی با سابقه حکومت بر بیش از نیمی از مردم جهان دارد. ایستگاه مهم دیگر تاریخی ما، همین تحقق انقلاب اسلامی بود که نمونه‌ای از حکمرانی را به جهان عرضه کرد که نه بر پایه پادشاهی بنیان گذاشته شده و نه مفهوم ریاست‌جمهوری. یک حکمرانی ویژه که عمود خیمه آن ولایت فقیه است. البته زمان باید بگذرد و ببینیم که این شیوه حکمرانی می‌تواند به آملی که تعیین کرده برسد یا نه؟

محرك اجتماع تلقی نمی‌شد. دین به عنوان امری مهجور، معزول و ناکارآمد شناخته می‌شد. هرکسی می‌خواست اظهار فضل کند درباره ما تو یا کارل مارکس صحبت می‌کرد. می‌گفتند اگر می‌خواهید جامعه را به حرکت درآورید باید حتماً یک ایدئولوژی مانند سوسیالیسم یا کمونیسم را دنبال کنید.

این انقلاب با بینش و قطب‌نمایی امام، بالاخره اسلام‌یسم را وارد عرصه سیاسی بین‌المللی کرد و اسلام به عنوان قوه محرکه جامعه به جهان معرفی شد. امام خمینی (ره) با بینش و تیزبینی که داشت یک سال و نیم قبل از انقلاب فرموده بود که اکنون فرصت خوبی برای انقلاب است. الان ما در این جهت حرکت می‌کنیم اما جوانان چه می‌گویند؟ چرا انقلاب کردید؟ اگر انقلاب نمی‌کردید، چنین و چنان می‌شدیم. به جوانان می‌گوییم این کتاب‌ها را بخوانید که متوجه بشوید جریان چه بوده و اینکه دین هم جایگاهی در جامعه دارد؛ امری که امریکایی‌ها با همه دانشگاه‌ها و اندیشکده‌هایشان نمی‌دانستند و نفهمیدند.

### پاسخ به پرسش‌های جوانان در «دیپلماسی با صدای بلند»

مسائلی که در کتاب «دیپلماسی با صدای بلند» مطرح شده، می‌تواند به بخشی از پرسش‌های جوانان ما در ارتباط با انقلاب و چرایی آن پاسخ دهد؛ آن هم از زبان دیگران. به نظرم مهم است که کتاب را از طرق مختلف در دسترس جوانان قرار دهیم تا بدانند چرا امریکا اینقدر روی ایران توجه دارد. از نظر امریکایی‌ها اگر در اندونزی زلزله شود، می‌گویند کار ایران است. اگر در لبنان ساختمان منفجر شود، می‌گویند کار ایرانی‌هاست. این موضوع نشان از



قبل از پیروزی انقلاب، دین به عنوان یک عامل محرك اجتماع تلقی نمی‌شد. دین به عنوان امری مهجور، معزول و ناکارآمد شناخته می‌شد

